

بسم الله الرحمن الرحيم

# حاضرات سازده حمام

جلد چهارم

دکتر محمد حسین پاپلی نردی

انتشارات پاپلی-انتشارات کوتمبرک

۱۳۹۸

کتاب خوان های گرامی:  
انتشار این اثر و دیگر آثار فرهنگی در اینترنت و شبکه های مجازی بدون پرداخت بهای آن و  
اجازه رسمی از ناشر باعث لطمه جبران ناپذیر به صنعت نشر و کتاب می باشد. و موجب ضمان و دین  
خواهد بود.

## فهرست مطالب

۵	.....م.ق.د.م.ه.
۱۱	.....خاطره‌ای از حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سیدعلی محمد وزیری
۱۹	..... <b>توسیدم. ترسم ریخت</b>
۲۳	.....ترس
۳۵	.....ترسم ریخت
۴۱	..... <b>دلگرمی دل‌های یخ‌زده</b>
۴۱	.....مهری
۴۸	.....شهربانو
۵۶	.....عروسی مهری
۶۸	.....خانه محمدعلی
۷۰	.....شهربانو
۷۱	.....زفت انداختن
۸۷	.....آقای کاوه
۹۱	.....عروسی مهری
۹۵	.....آقارضا پاسبان
۱۰۶	.....نوشتنی خوردن آقارضا
۱۱۴	.....شهربانو در خانه آقارضا
۱۲۱	.....مرگ شهربانو
۱۲۶	.....دکتر رفتن مهری
۱۲۸	.....رقیه کافر!
۱۳۱	.....رشوه
۱۴۱	.....نامه به دادستان
۱۵۹	.....همبستگی مردمی
۱۷۰	.....آقارضا در تهران
۲۰۷	.....مادر آقارضا در تهران

- ۲۱۰..... خرید خانه در تهران
- ۲۱۵..... دشمنان دوست‌نما
- ۲۱۹..... جلسه دادگاه
- ۲۳۱..... زندگی پس از آزادی
- ۲۳۹..... اصحاب کهف
- ۲۴۲..... محمدعلی و موتور پمپ
- ۲۴۵..... **هیچ وقت دیر نیست**
- ۲۴۵..... کدام هویت؟ کدام فرهنگ؟
- ۲۴۵..... مسیر یک مهاجر - علی بن صالح نجیب (Ali Ben salah Najib)
- ۲۴۶..... چوپانی در ۹-۱۱ سالگی
- ۲۵۳..... علی به مدرسه می‌رود
- ۲۵۶..... علی مدرسه را ترک می‌کند
- ۲۵۷..... حرکت به سوی فرانسه
- ۲۶۰..... کار در معدن زغال سنگ
- ۲۶۰..... معدن زغال: دهه ۱۹۵۰
- ۲۶۱..... دعوا بر سر نماز
- ۲۶۲..... کار در عمیق‌ترین معدن
- ۲۶۴..... کار در هلند
- ۲۶۶..... ورود به سوئد
- ۲۶۸..... شروع دوباره تحصیل در مدرسه
- ۲۷۱..... استخدام به عنوان مستخدم مدرسه
- ۲۷۲..... علی به دانشگاه می‌رود
- ۲۷۴..... ملاقات با علی
- ۲۸۲..... **سفر به دریای ظلمات**
- ۲۸۲..... دیدار با امید
- ۳۱۲..... **امید ابوالحسنی**
- ۳۱۲..... فرهنگ «سبیل‌گرو گذاشتن»
- ۳۳۲..... **پاپلی یزدی در بوزیل**
- ۳۵۸..... پیوست ۱ - برخی ویژگی‌های خانه محمدعلی
- ۳۶۱..... پیوست ۲ - دفترچه مهری

### دنیای اویتت یک کرار نایت حکایت یادگار

«دنیا بر یک حالت نمی ایستد. آنچه می ماند، حکایت و سرگذشت است.»  
اول کتاب و یک پرسش:

زندگی مردم را حکایت و روایت می کنیم. آن را شرح می دهیم، می گوئیم،  
می نویسیم، می خوانیم و می دانیم. ولی آیا واقعاً زندگی مردم را می فهمیم؟  
درک می کنیم؟ و یا فقط زندگی مردم را می دانیم؟

شعر، این کلام فشرده، بیانگر زندگی مردم است. آیا بسیاری از اشعار را  
می فهمیم یا فقط می دانیم؟ اگر واقعاً زندگی مردم را می فهمیدیم، جهان چنین  
بود؟ اگر فرماندهان جنگ ها که در کاخ هایشان در امنیت زندگی می کنند،  
مفهوم بمب و خمپاره، ویرانی، مرگ و زخمی شدن، فراری شدن، آوارگی،  
تحمل گرسنگی، تحقیر شدن و... را می فهمیدند، اصلاً جنگ می آفریدند؟ جنگ  
می کردند؟ جنگ را ادامه می دادند؟

۱. شرح منظومه مکران، مولوی رواند(به کوشش دکتر غفور جهان دیده، ۱۳۸۹- انتشارات کوله پشتی- دانشگاه  
دریاندردی و علوم دریایی چابهار، ۲۲۳ ص). منظومه مکران شعر بلندی است چون منظومه حیدریا یا سروده  
شهریار. من نمی دانم این دو شاعر یکی در شمال غرب ایران و آذری و یکی در جنوب شرق ایران و بلوچ،  
همدیگر را می شناخته اند و در جریان کار هم بوده اند یا نه.

می خواهم صدای فریاد یک بانوی شاعر افغانستانی هم‌زبان، هم‌دین و هم‌فرهنگ را بشنویم؛ صدایی که نتیجه جنگ‌های افغانستان برای نسل‌هاست. از شما می‌پرسم: ما این صدا را می‌خوانیم و می‌شنویم. ولی آیا مفهوم آن را می‌فهمیم؟ آن را درک و لمس می‌کنیم؟ یا فقط می‌خوانیم و می‌دانیم؟  
«باران سجادی» بانوی شجاع و شاعر افغانستانی، در کتاب سنگباران می‌سراید:

شب سخت تنامده‌ام  
آیز را بل کرده‌ام  
از تنهایی گشوده‌ام  
و پنج وقت نمی‌خواهم کمان من  
تنهایی مرا حس کند  
تلفن می‌کنم بر مادام  
حال من خوب است  
هر چیز عالی است  
تلفن می‌کنم بر خواهرم  
او می‌فهمد که سال‌هاست حال من خوب نیست

.....

باران سجادی باز هم می‌سراید:

هر تلاطم پاک کردن خاطرات گلیمان خواهد بود  
دین و دگر گلین ترین شاق تاریخ، ستم!

۱. معصومه (باران) سجادی، شاعر افغانستانی. برگرفته از کتاب سنگباران (انتشارات تاک کابل، تابستان ۱۳۹۲،

صفحه ۱۷۸ و ۱۸۰). از همین شاعر می‌توانید کتاب پریرود را بخوانید.